



Behavioral Iconography of Pharaoh in the Quran and its Extension to the Contemporary System of Domination*

Masoud Mozaffarov*

Abstract

The Holy Quran, by employing the archetype of Pharaoh, presents a comprehensive and structured depiction of "the arrogant" that transcends mere historical narrative, possessing the potential for extension to contemporary systems of domination. This study, utilizing a descriptive-analytical method and referencing authoritative exegeses, aims to identify the behavioral components of Pharaoh in the Quran and subsequently extend them to the current global hegemonic order. Based on the research findings, seven fundamental behavioral components can be extracted from the Quranic portrayal of Pharaoh: denial of truth, arrogance, self-aggrandizement, rebellion and defiance, intimidation and coercion, stupefaction and manipulation of intellects, and misguidance. These components are analyzable on three levels: cognitive (false beliefs), behavioral (operational actions), and value-identity (a self-deifying worldview). Extending this model to the contemporary system of domination reveals that the "behavioral geometry of arrogance" has remained constant throughout history, with only its tools evolving. This includes everything from the denial of truth in mainstream media and crippling sanctions, to the entertainment industry and mass stupefaction, and the war of narratives and character assassination of resistance leaders. The theory of Quranic "behavioral iconography" can serve as a native analytical framework for understanding the dynamics of global hegemony in the fields of political science, organizational and management studies, communication, and regional studies.

Keywords: Holy Quran, Behavioral Iconography, Pharaoh, Arrogance, System of Domination, Behavioral Analysis of Power.

*. Received: ۱۷/۰۷/۱۴۰۴ SH (۰۹/۱۰/۲۰۲۵ CE) and Accepted: ۰۵/۱۱/۱۴۰۴ SH (۲۵/۰۱/۲۰۲۶ CE).

*. PhD Graduate in Quran and Sciences (Management Orientation), Higher Education Complex of Quran and Hadith, Al-Mustafa International University:
muhammad_m92@mil.ru



تصویرشناسی رفتار فرعون در قرآن و بسط آن به نظام سلطه معاصر*

مسعود مظفر اف*

چکیده

قرآن کریم با بهره‌گیری از الگوی فرعون، تصویری جامع و ساختاریافته از «مستکبران» ارائه می‌دهد که فراتر از روایت تاریخی صرف، قابلیت بسط به نظام‌های سلطه‌گر معاصر را دارد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به تفاسیر معتبر، در پی شناسایی مؤلفه‌های رفتاری فرعون در قرآن و سپس بسط آنها به جریان استکبار جهانی امروز است. بر اساس یافته‌های پژوهش، هفت مؤلفه رفتاری بنیادین از تصویر فرعون قرآنی قابل استخراج است: تکذیب حق، استکبارورزی، خودبرتربینی، طغیان و سرکشی، تهدید و ارعاب، تحمیق و تخریب عقول، و گمراه‌سازی. این مؤلفه‌ها در سه سطح شناختی (باورهای کاذب)، رفتاری (اقدامات عملیاتی) و ارزشی-هویت‌ی (جهان‌بینی خودخدا بنیان) قابل تحلیل هستند. بسط این الگو به نظام سلطه معاصر نشان می‌دهد که «هندسه رفتاری استکبار» در طول تاریخ ثابت مانده و تنها ابزارهای آن تغییر کرده است؛ از انکار حقیقت در رسانه‌های جریان اصلی تا تحریم‌های فلج‌کننده، از صنعت سرگرمی و تحمیق توده‌ها تا جنگ روایت‌ها و تخریب شخصیت رهبران مقاومت. نظریه «تصویرشناسی رفتاری» قرآنی می‌تواند به عنوان یک چارچوب تحلیلی بومی برای جریان‌شناسی استکبار جهانی در علوم سیاسی، دانش سازمان و مدیریت، ارتباطات و مطالعات منطقه‌ای مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، تصویرشناسی رفتاری، فرعون، استکبار، نظام سلطه، تحلیل رفتاری قدرت.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۷ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۱۱/۰۵

*. دانش‌آموخته دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت)، جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث:

muhammad_m92@mil.ru



مقدمه

انسان به عنوان موضوع محوری علوم انسانی، نقشی تعیین کننده در صعود و سقوط سازمان‌ها، جوامع و تمدن‌ها دارد. از این رو، شناخت ابعاد گوناگون وجودی او از جمله ماهیت و طبیعت، شأن و حالت، کنش و رفتار (فردی و اجتماعی) از ضروریات اجتناب‌ناپذیر پژوهش‌های دینی و اجتماعی است. این مهم هنگامی به سرانجام مطلوب می‌رسد که با مراجعه به داده‌های وحیانی انجام پذیرد؛ چه آنکه آفریدگار انسان به «کم و کیف» و «پیشا و پسای» او آگاهی کامل و تام دارد. تا زمانی که این ساحت‌ها به خوبی شناسایی نشوند، تصویر ما از انسان ناقص بوده و نمی‌توانیم برای هدایت و رهبری او در نهادهای پنج گانه (خانواده، آموزش، اقتصاد، سیاست و فرهنگ) تعیین تکلیف نماییم. از سوی دیگر، نظریه «تصویرسازی» (Image Theory) که مبنای نظری این پژوهش را شکل می‌دهد، بر این اصل استوار است که باورها از طریق تصاویر ساخته شده و عینیت می‌یابند و به نوبه خود چارچوب‌هایی را پدید می‌آورند که چگونگی تفسیر و معناپیدا کردن حوادث پیرامون ما را مشخص می‌کنند (مرادیان، ۱۳۸۸: ۸۲). تصویرسازی‌ها، چه از نوع مثبت یا منفی، نگرش‌ها را دستخوش تحول نموده و با تغییر نگرش، رفتارها نیز متناسب با آن شکل می‌گیرد. در این چارچوب، چهار نوع تصویرسازی قابل تشخیص است: تصویرسازی از خود برای خود؛ تصویرسازی از خود برای دیگران؛ تصویرسازی از دیگران برای خود؛ تصویرسازی از دیگران برای دیگران (افتخاری، ۱۳۸۷). آنچه در نوشتار حاضر دنبال می‌شود، تصویرسازی قرآن کریم از «دیگریِ مستکبر» با محوریت فرعون به مثابه نماد مستکبران عالم و سپس بسط آن به نظام سلطه معاصر است.

سرگذشت فرعون در بسیاری از سور و آیات قرآن کریم بازتاب یافته است؛ گاه موجز و مختصر و گاه مشروح و مطول. این گزارش‌های وحیانی، حقایق نهفته فراوانی را در اختیار بشریت قرار داده است که می‌تواند نقشه راهی برای جریان‌شناسی استکبار در طول تاریخ باشد.



با الغای خصوصیت، می توان تصویری کلی از «تیپ فرعونی» در انسان های کافر و مستکبر ترسیم کرد. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که قرآن کریم چه تصویر رفتاری از فرعون به عنوان نماد مستکبران ارائه می دهد و این الگو چگونه به نظام سلطه معاصر قابل بسط است

پیشینه تحقیق

بر پایه جستارهای نظام مند انجام شده در منابع کتابخانه ای و پایگاه های تخصصی علوم قرآنی و سیاسی، مشخص گردید که تصویرشناسی رفتاری فرعون در قرآن با رویکرد بسط به نظام سلطه معاصر و با تأکید بر مستندات قرآنی، تا کنون به صورت مستقل و نظام مند مورد بررسی قرار نگرفته است. به عبارت دقیق تر، اگرچه درباره «استکبار»، «فرعون» و «نظام سلطه» به طور پراکنده آثاری وجود دارد، اما هیچ یک از این آثار، الگوی رفتاری هفت گانه فرعون (تکذیب حق، استکبارورزی، خودبرتربینی، طغیان، تهدید، تحمیق و گمراه سازی) را به عنوان یک سیستم رفتاری به هم پیوسته معرفی و آن را به جریان سلطه معاصر بسط نداده اند. بدین اعتبار، می توان اذعان کرد که مسئله مورد نظر فاقد پیشینه خاص و مستقیم است و پژوهش حاضر از این حیث دارای نوآوری موضوعی و روشی می باشد.

با وجود این خلأ، می توان برخی از منابع تدوین شده را به عنوان پیشینه عام مسئله فهرست وار معرفی کرد. اهم منابع مرتبط که می توان از داده های آنها در این اثر نیز بهره جست عبارتند از: کتاب «دشمن شناسی در اندیشه رهبر انقلاب» نوشته نجفعلی غلام و نیز کتاب دیگری با همین عنوان نوشته پیمان ملازاده که صرفاً سخنان رهبر انقلاب را در موضوع دشمن بیان و موضوع بندی کرده و مستندات قرآنی آن را ذکر ننموده است. همچنین دو کتاب دیگر با موضوع دشمن شناسی، «شناخت دشمن و روش مقابله با آن از منظر حضرت آیت الله العظمی خامنه ای» به گردآوری سید امیر پورفاضلی و کتاب «استضعاف و استکبار در قرآن» نوشته علی محمد



دستغیب که به بررسی مبانی قرآنی استکبار پرداخته است، در زمره آثار مرتبط به شمار می‌روند. کتاب «استکبار جهانی» نوشته جواد منصوری و مقاله «استکبار و شیوه‌های مبارزه با آن در قرآن» به قلم سید صمد موسوی که در مجله مبلغان، آبان و آذر ۱۳۸۸، شماره ۱۰۹ به چاپ رسیده است و همچنین مقاله دیگری با عنوان «راه‌های مبارزه با استکبار و شروط آن از منظر قرآن» نوشته علی اصغر تجری که در سال ۱۳۷۹ منتشر شده، از دیگر آثاری هستند که به گونه‌ای به مسئله استکبار پرداخته‌اند.

تمایز اساسی پژوهش حاضر با آثار یادشده در آن است که در کتب و مقالات مذکور، اگرچه به بیان دیدگاه رهبر انقلاب یا ابعاد کلی استکبار توجه شده، اما مستندات قرآنی الگوی رفتاری مستکبران به صورت نظام‌مند تبیین نگردیده است. کتاب منصوری به ابعاد کلی استکبار پرداخته و ناظر به اندیشه رهبر معظم انقلاب نیست؛ کتاب‌های غلام و ملازاده و پورفاضلی نیز گرچه به دشمن‌شناسی از منظر رهبری توجه داشته‌اند، اما از استناد به آیات قرآن و تحلیل رفتاری مستکبران بر اساس آن خالی هستند. مقاله‌های موسوی و تجری نیز متمرکز بر «شیوه‌های مبارزه با استکبار» بوده‌اند و به «تصویرشناسی رفتاری» مستکبران نمی‌پردازند. در حالی که در پژوهش حاضر، مهم‌ترین مؤلفه‌های رفتاری استکبار از منظر قرآن با محوریت الگوی فرعون استخراج و سپس به نظام سلطه معاصر بسط داده شده است؛ رویکردی که تا کنون در پیشینه پژوهشی دیده نمی‌شود و همین امر، نوآوری و ضرورت پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به تصویرشناسی رفتاری فرعون و بسط آن به نظام سلطه معاصر، تبیین دقیق دو مفهوم محوری «استکبار» و «فرعون» از منظر لغوی، اصطلاحی و قرآنی ضروری می‌نماید؛ چه آنکه دقت در این مفاهیم، چارچوب نظری پژوهش را استحکام می‌بخشد و از خلط معانی در فرآیند بسط‌دهی الگو به عصر حاضر جلوگیری می‌کند.



۱. استکبار

واژه «استکبار» از ماده «کَبَر» یا «کَبِر» در لغت به معنای عظمت و بزرگی آمده است (جوهری، ۱۲۷۰ ق، ج ۲: ۱۰۵). در اصطلاح دینی و قرآنی، «کَبَر»، «تَكَبُّر» و «استکبار» معانی نزدیک به هم دارند. کبر حالتی است که انسان نفس خویش را بزرگ‌تر از آنچه هست ببیند و کبر کفار آن است که از گفتن «لا إله إلا الله» استکبار ورزند؛ این همان شرک ورزیدن به خداوند است. به عبارت دیگر، بزرگ‌ترین تکبر از آن خداست و استکبار بندگان به معنای امتناع از پذیرش حق از روی عناد و خودبزرگ‌بینی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۶۹۶). راغب اصفهانی در مفردات می‌گوید: «الکبر هو التَّعَاطُفُ فِي النَفْسِ مَعَ التَّجَبُّرِ»؛ یعنی کبر، بزرگ‌نمایی در نفس همراه با گردنکشی است. بر این اساس، استکبار را می‌توان «امتناع فعالانه از پذیرش حق به سبب پندار کاذب برتری» تعریف کرد. این تعریف، هسته مرکزی رفتاری فرعون را تشکیل می‌دهد که در ادامه بدان خواهیم پرداخت. شایان ذکر است که استکبار بر دو گونه قابل تصویر است:

الف) استکبار پسندیده: تکبر در برابر انسان‌های متکبر و خودخواه که از باب «لَا تَكُنْ رَطْبًا فَتُعْصِرَ وَلَا يَابِسًا فَتَكُنْ سَرًّا» نوعی عزت‌مندی اجتماعی محسوب می‌شود.

ب) استکبار نکوهیده: خودخواهی نفسانی که انسان را به پندار باطل کمال می‌اندازد و شایسته مقام بندگی نیست. آنچه در قرآن کریم از استکبار یاد شده، عمدتاً ناظر به همین قسم دوم است؛ استکباری که شیطان، فرعون، یهودیان، بنی‌اسرائیل سرکش، اقوام گذشته و سایر انسان‌های مغرور و خودخواه بدان متصف شده‌اند. به تعبیر طریحی: «الاستکبار أن يرى الرجل نفسه أكثر من مقداره»؛ استکبار آن است که انسان خویش را بیش از مقدار واقعی خود ببیند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۴۶۵). علامه مصطفوی از لغت‌دانان برجسته معاصر، در این باره تحلیلی دقیق‌تر ارائه می‌دهد. ایشان می‌فرماید: تکبر بر دو وجه بیان شده است:



۱. تکبر به عنوان فعل حسنه - زمانی که صفتی برتر از همه محسنات دیگران باشد، وصف خدای سبحان قرار می گیرد: «الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ» (حشر/۲۳). در این مقام، تکبر به معنای «برتر بودن حقیقی و ذاتی» است که جز برای خداوند متعال شایسته نیست.

۲. تکبر به عنوان صفت رذيله - اگر این صفت در بندگان ظاهر شود، بدترین صفت محسوب می گردد: «فَبِئْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ» (زمر/۷۲). علت آن است که عبد، ذلیل، مملوک، فقیر، محدود و ضعیف است و سزاوار تکبر نیست (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۰: ۱۸-۱۹).

باید گفت که برآیند تعاریف یادشده آن است که استکبار، افزون طلبی و خودبرتربینی‌ای است که ریشه در پندار کاذب کمال و احساس بی‌نیازی از خدا و خلق دارد. شخص مستکبر خود را از دیگران بزرگ‌تر، برتر و بی‌نیازتر می‌پندارد و از همین رهگذر، از پذیرش حق - حتی وقتی آشکار باشد - امتناع می‌ورزد.

۲. فرعون در قرآن کریم

در قرآن کریم، مقصود از «فرعون» عمدتاً پادشاه مصر معاصر حضرت موسی (ع) است؛ اما نکته ظریف آنکه «فرعون» نام شخص خاصی نیست، بلکه لقب هر یک از پادشاهان مصر باستان محسوب می‌شود. درباره نام و هویت دقیق فرعون زمان حضرت موسی (ع)، دیدگاه‌های گوناگونی ابراز شده است. در این مورد، طبری در تاریخ خود چنین گزارش می‌کند: به روزگار موسی، فرعون مصر فردی به نام «قابوس پسر معاویه» - دومین پادشاه زمان یوسف - بود و همسر فرعون، دختر مزاحم پسر ریان پسر ولید (فرعون اول یوسف) به شمار می‌رفت. آنگاه که ندای نبوت به موسی رسید، قابوس بن مصعب درگذشت و برادرش که سرکش‌تر و کافرتر از برادر بود، جای او را گرفت (طبری، ۱۳۶۲: ۲۹۵). آیت‌الله معرفت، پژوهشگر برجسته قرآنی، با استناد به یافته‌های مصرشناسی معاصر، هویت محتمل‌تری را پیش می‌نهد. به گفته ایشان، فرعون زمان موسی همان «توتانخامون» از پادشاهان دودمان هیجدهم مصر است که دوره پادشاهی وی میان



سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۸ پیش از میلاد مسیح قرار دارد. بر این حساب، از آن روزگار تا کنون حدود سه هزار و سه صد سال می‌گذرد (معرفت، ۱۳۸۵: ۴۴۶).

در مجمع البیان، به نقل از ضحاک، توصیفی نسبتاً دقیق از وضعیت ظاهری فرعون ارائه شده است: «فرعون ۴۰۰ سال زیست، مردی کوتاه‌قامت و فربه بود و نخستین کسی است که به موهای خود رنگ بست» (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۵۹). هرچند این گزارش از نظر تاریخی قابل مناقشه است، اما نشان‌دهنده تصویری است که در منابع اسلامی از فرعون ترسیم شده است. آنچه از گزارش‌های قرآن کریم درباره فرعون به دست می‌آید، چهره‌ای است که فراتر از داده‌های تاریخی، یک «تیپ آرمانی» (Ideal Type) از انسان مستکبر را بازنمایی می‌کند. فرعون قرآنی، شخصیتی است سرشار از صفات زیر:

- کفر پیشگی و زرسالاری - قدرت خویش را در انباشت ثروت و سرکوب معنویت می‌دید؛
- آکنده از رذایل اخلاقی - تکبر، حسد، خشم و بیرحمی از اوصاف بارز اوست؛
- ستمگری بی‌امان - در طول دوران حکومت وحشیانه‌اش، هیچ جنایتی در حق بنی‌اسرائیل از قتل پسران، اسارت زنان و تحقیر ایشان را فرو نگذاشت؛
- ستیز با حق - تسلیم امر الهی و پیامبرش نشد و همواره با آنان در ستیز بود.

سرانجام فرعون و لشکریانش در جریان تعقیب حضرت موسی (ع) و بنی‌اسرائیل، در دریا غرق شدند. اما نکته حائز اهمیت آنکه خداوند متعال درباره جسد او فرمود: «فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِنَدْنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً وَ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ» (یونس/ ۹۲)؛ یعنی «امروز تو را با بدنت (از آب) نجات می‌دهیم تا برای کسانی که پس از تو می‌آیند، نشانه عبرتی باشی؛ و به‌راستی بسیاری از مردم از نشانه‌های ما غافلند». این آیه، پیام مهمی برای پژوهش حاضر دارد: جسد محفوظ فرعون، نه تنها یک پدیده تاریخی، بلکه نشانه‌ای پایدار برای عبرت‌آموزی مستکبران



همه اعصار است. نظام سلطه معاصر نیز - با همه تغییر ابزارها - از همین الگوی رفتاری پیروی می‌کند و سرانجام آن، همچون سرانجام فرعون، «غرق در دریای خشم ملت‌ها» خواهد بود.

۳. تصویرشناسی رفتاری فرعون در قرآن کریم (مبانی نظری و چارچوب

(تحلیلی)

از آنجا که انسان‌شناسی محور و قطب مباحث مربوط به مبانی و باورهای بنیادی است و هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی نیز در نهایت به انسان‌شناسی بازمی‌گردد، شناخت ابعاد وجودی انسان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌یابد. علوم انسانی رایج به دلیل خاستگاه غربی و نوع فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر آن، در تبیین جامع و دقیق ساحت‌های وجودی انسان با کاستی‌های جدی روبه‌رو است و به تعبیر مقاله، «قابل استناد نیست». از این رو، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و مراجعه به آراء مفسران بزرگ، تلاش می‌کند تصویر قرآن کریم از انسان کافر و مستکبر - با محوریت سرگذشت فرعون - را بررسی و سپس الگوی رفتاری مستخرج را به نظام سلطه معاصر بسط دهد. در چارچوب نظریه تصویرسازی رفتاری، انسان موجودی است که شناخت و باورهای او در قالب «تصاویر ذهنی» شکل می‌گیرد و این تصاویر، کنش‌های فردی و اجتماعی وی را جهت می‌دهند. قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت، با ارائه تصویری دقیق از «مستکبر»، زمینه بصیرت‌افزایی مخاطب را فراهم می‌کند؛ تا در مواجهه با جریان‌های سلطه‌گر تاریخی و معاصر، دچار خطای راهبردی نشود.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، تصویر رفتاری فرعون در قرآن کریم از هفت مؤلفه بنیادین تشکیل شده است که در بخش بعدی به تفصیل هر یک پرداخته خواهد شد: ۱. تکذیب حق؛ ۲. استکبارورزی؛ ۳. خودبرتربینی؛ ۴. طغیان و سرکشی؛ ۵. تهدید و ارعاب؛ ۶. تحمیق و تخدیر عقول و ۷. گمراه‌سازی. پیش از ورود به تحلیل هر یک از این مؤلفه‌ها، تأکید می‌شود که این هفت ویژگی، یک سیستم رفتاری به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند؛ بدین معنا که خودبرتربینی،



زمینه‌ساز استکبارورزی است و استکبارورزی به نوبه خود به طغیان و سپس به تهدید و تحمیق دیگران منجر می‌شود. در ک این زنجیره علی، برای بسط الگو به نظام سلطه معاصر نقشی کلیدی دارد.

مولفه‌های تصویرشناسی رفتاری فرعون در سه سطح شناختی، رفتاری

و ارزشی- هویتی

پس از تبیین مبانی نظری تصویرسازی و مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی «استکبار» و «فرعون»، اکنون نوبت به تحلیل نظام‌مند داده‌های قرآنی می‌رسد. در این بخش، کوشش می‌شود تا بر اساس آیات قرآن کریم و تفاسیر معتبر و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، تصویر رفتاری فرعون به عنوان نماد مستکبران عالم استخراج و دسته‌بندی گردد. از آنجا که رفتارهای مستکبرانه تنها در سطح کنش‌های بیرونی قابل مشاهده نیستند، بلکه ریشه در باورهای ژرف و ارزش‌های بنیادین دارند، این پژوهش مؤلفه‌های تصویرشناسی رفتاری فرعون را در سه سطح شناختی، رفتاری و ارزشی-هویتی سازماندهی کرده است. سطح شناختی به نظام باورهای کاذب و پندارهای تحریف‌شده‌ای می‌پردازد که زمینه‌ساز طغیان فرعون گردید. سطح رفتاری، کنش‌های عملیاتی و عینی فرعون در عرصه حکمرانی و تعامل با مخالفان را تبیین می‌کند. سطح ارزشی-هویتی نیز به بنیادهای متافیزیکی و جهان‌بینی خودبنیانی می‌پردازد که توجیه‌گر تمامی رفتارهای مستکبرانه بوده و سرچشمه اصلی استکبارورزی به شمار می‌رود. این سه سطح اگرچه به صورت مجزا تحلیل می‌شوند، اما در واقعیت، یک زنجیره علی به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند که «از باور به کنش» و «از کنش به جهان‌بینی» امتداد می‌یابد. بدین ترتیب، تصویر جامعی از فرعون قرآنی ترسیم خواهد شد که هم قابلیت بسط به نظام سلطه معاصر را داشته باشد و هم چارچوبی تحلیلی برای جریان‌شناسی استکبار در اختیار پژوهشگران قرار دهد.

سطح اول: مولفه‌های شناختی (نظام باورهای کاذب)



در چارچوب تصویرشناسی رفتاری قرآن کریم، سطح شناختی به آن دسته از باورها، پندارها و ارزیابی‌های ذهنی اطلاق می‌شود که پیش‌زمینه و بستر ساز کنش‌های مستکبرانه‌ی فرعون و پیروان او گردیده است. این مؤلفه‌ها که ریشه در جهالت نظری و عملی انسان کافر دارد، موجب تحریف در دریافت حقیقت و شکل‌گیری رفتاری طغیان‌گرانه می‌گردد. بر اساس آیات قرآن کریم و تفاسیر معتبر، سه مؤلفه شناختی بنیادین در تصویر رفتاری فرعون قابل شناسایی است:

(۱) تکذیب حق

تکذیب که در لغت به معنای انکار و نسبت دروغ دادن به چیزی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۰۴)، در قرآن کریم به عنوان یکی از برجسته‌ترین شأن و حالت‌های کافران معرفی شده است. فرعون که نماد و مصداق بارز انسان‌های کافر است، علیرغم مشاهده تمام معجزات آشکار حضرت موسی (ع) - از جمله معجزه عصا و ید بیضا - به انکار و تکذیب آنان پرداخت. چنانکه خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَيْنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَ أَبَى» (طه/۵۶)؛ و به راستی همه نشانه‌های خود را به او نشان دادیم، اما تکذیب کرد و سرپیچی نمود. همچنین در آیه دیگر می‌فرماید: «فَكَذَّبَ وَ عَصَى» (نازعات/۲۱)؛ پس تکذیب کرد و نافرمانی نمود. دلیل اصلی این تکذیب، فرار از مواجهه با حق و ترس از دست دادن اعتبار و جایگاه اجتماعی بوده است. فرعون برای آنکه رفتار و گفتارش مورد تردید قومش قرار نگیرد و تصویر رهبری نامشروع از او ترسیم نگردد، سعی کرد به مردم خود القا کند که آنچه انجام می‌دهد در راستای منافع و مصالح آنان است: «قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى وَ مَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ» (غافر/۲۹). این تکذیب، نقطه آغازین سقوط معرفتی مستکبر است؛ چراکه حق را آنگاه که با امیال و منافع او تعارض پیدا می‌کند، انکار می‌نماید.



این الگوی رفتاری فرعون در نظام سلطه معاصر نیز با ابزارهایی نوین اما با همان هندسه رفتاری بازتولید می‌شود. قدرت‌های سلطه‌گر امروز، علیرغم مشاهده روشن‌ترین حقایق - چون کشتار بی‌گناهان، نقض آشکار حقوق بشر، نابودی زیرساخت‌های ملت‌ها و جنایت‌های جنگی - به تکذیب و انکار این حقایق می‌پردازند. رسانه‌های جریان اصلی استکبار، وارونه‌نمایی واقعیت را به صورت نظام‌مند در پیش گرفته‌اند؛ آنچنان که جنایت را «دفاع از خود»، تجاوز را «عملیات بشردوستانه»، تحریم ملت‌ها را «ابزار فشار هوشمندانه» و مقاومت در برابر اشغال را «تروریسم» می‌نامند. دقیقاً همان گونه که فرعون معجزات آشکار موسی را سحر خواند، رسانه‌های سلطه نیز مستندات غیرقابل انکار جنایات خود را «اخبار جعلی» یا «تبلیغات دشمن» قلمداد می‌کنند. هدف از این تکذیب سیستماتیک، همان هدف فرعونی است: فرار از مواجهه با حقیقت، حفظ اعتبار و مشروعیت کاذب در افکار عمومی جهانی، و جلوگیری از شکل‌گیری یک روایت واحد از ستمی که بر ملت‌های مظلوم می‌رود. همان گونه که فرعون گفت «ما أُرِیْکُمْ إِلَّا مَا أَرِیْ»، رسانه‌های سلطه نیز جز آنچه خود می‌خواهند، به مردم جهان نشان نمی‌دهند.

۲- خودبرتربینی

یکی از زشت‌ترین صفات و نکوهیده‌ترین خصلت‌های انسان‌های کافر و معاند حق، تکبر و خودبرتربینی است. ریشه این صفت رذیله، چنانکه در داستان ابلیس نیز مشاهده می‌شود، به پندار کاذب کمال و برتری بر دیگری بازمی‌گردد. فرعون که غرور و نخوت چنان مغز او را پر کرده بود، نه تنها اعتنایی به دلایل روشن حضرت موسی (ع) نکرد، بلکه با سخنانی کودکانه سرپیچی خود را توجیه نمود. قرآن کریم می‌فرماید: «وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ * أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَٰذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ» (زخرف/۵۲-۵۱). فرعون در این آیات، ثروت و



قدرت مادی خود (پادشاهی مصر و نه‌های جاری در زیر کاخش) را دلیل برتری خویش بر حضرت موسی (ع) معرفی می‌کند و او را به سبب فقر و لکنت زبان تحقیر می‌نماید. علامه طباطبایی در ذیل این آیات می‌فرماید: فرعون با این سخنان می‌خواهد بگوید که موسی فاقد شاخص‌های ارزشی مورد قبول جامعه است و بنابراین نمی‌تواند رهبر باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۱۱۱). این خودبرتربینی مبتنی بر معیارهای مادی و ظاهری، یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های شناختی مستکبران است که مانع از پذیرش حق و تسلیم در برابر پیام الهی می‌گردد.

خودبرتربینی فرعونی در نظام سلطه معاصر، قالبی نوین اما با همان ماهیت یافته است. امروز، گفتمان «برتری تمدن غرب»، «پایان تاریخ» فوکویاما، «سفیدسازی» تاریخ جهان و تحمیل ارزش‌های غربی به عنوان تنها ارزش‌های معتبر بشری، بازنمایی همان اندیشه پوشالی فرعون است که می‌گفت: «أَلَيْسَ لِي مُلْكٌ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي». قدرت‌های سلطه‌گر با تکیه بر شاخص‌های مادی - چون تولید ناخالص داخلی، قدرت نظامی، فناوری پیشرفته و سلطه رسانه‌ای - خود را «جهان اول» و ملت‌های دیگر را «جهان سوم» یا «در حال توسعه» می‌نامند. همین خودبرتربینی موجب می‌شود که نه تنها حقوق ملت‌های دیگر را نادیده بگیرند، بلکه آنان را شایسته تعیین سرنوشت خویش نیز ندانند. تحقیر فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و باورهای ملت‌های دیگر (همانند تحقیر فرعون نسبت به فقر و لکنت زبان موسی) و تلاش برای تحمیل «سبک زندگی غربی» به عنوان الگوی برتر زیستی، از پیامدهای همین خودبرتربینی است. نظام سلطه همچون فرعون، هر مخالفی را «عقب‌مانده»، «وحشی» یا «تروریست» می‌خواند تا تداوم سلطه خود را بر ملت‌هایی که در سطح پایین‌تری از شاخص‌های مادی قرار دارند، توجیه کند. اما قرآن کریم با تصویرسازی از سرانجام فرعون، وعده می‌دهد که این خودبرتربینی پوشالی، سرانجامی جز «غرق شدن در دریای خشم ملت‌ها» نخواهد داشت.



۳- احساس بی‌نیازی و خودکفایی‌پنداری

قرآن کریم در سوره علق، ریشه و مادر طغیان انسان را چنین تبیین می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ * أَلَمْ يَرَأَ أَنَّهُ اسْتَمْتَنَى» (علق/۷-۶). چنانکه نیست؛ به راستی که انسان طغیان می‌کند، از آن رو که خود را بی‌نیاز می‌بیند. این آیه شریفه دلالت دارد که عامل اصلی طغیان، احساس بی‌نیازی و خودکفایی‌پنداری است. انسان کافر با توجه به جهالت نظری و عملی که نسبت به جایگاه وجودی خود و نیاز دائمی به خداوند دارد، دچار توهم استعلا و خودبرتربینی می‌شود و نتیجه این اندیشه چیزی جز طغیان و تجاوز از حد و اندازه نخواهد بود. حسینی همدانی در تفسیر خود می‌گوید: طغیان فرعون از احساس استغناء وی نشأت گرفته است؛ چه آنکه هرگاه انسان احساس بی‌نیازی کند و گمان برد که همه حاجاتش برآورده می‌شود، طغیان می‌کند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۸: ۲۹۰). بدیهی است که یگانه سبب طغیان فرعون و درباریان وی که طنین دعوی الوهیت او اقطار آن سرزمین را فرا گرفته بود، همانا داشتن نفوذ و استیلاء بر مردم، انباشت ثروت بیشمار و قدرت مطلق در طول سال‌های متمادی بوده است. این احساس بی‌نیازی، شناخت انسان را از واقعیت خویش و نیازش به هدایت الهی مخدوش می‌سازد و او را به سرکشی و تجاوز از حدود انسانی وامی‌دارد.

احساس بی‌نیازی که قرآن کریم آن را ریشه طغیان معرفی کرده است، در نظام سلطه معاصر به اوج خود رسیده است. انباشت بی‌سابقه ثروت در دستان یک درصد جمعیت جهان، تملک تسلیحات کشتار جمعی، کنترل شبکه‌های جهانی ارتباطات و اطلاعات، و سلطه بر نهادهای بین‌المللی چون بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و شورای امنیت، این توهم را در سران استکبار ایجاد کرده است که «به هیچکس نیاز ندارند» و «هیچ قدرتی نمی‌تواند در برابر آنان بایستد». این احساس بی‌نیازی، همان گونه که فرعون را به گفتن «أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى» واداشت، سران نظام سلطه را نیز به «یک‌جانبه‌گرایی»، «نقض قوانین بین‌المللی»، «خروج از معاهدات



جهانی و «بی‌اعتنایی به نهادهای بین‌المللی» سوق داده است. تحریم‌های فلج‌کننده علیه ملت‌ها، حمله به کشورهای مستقل، ترور شخصیت‌های سیاسی و علمی، و حمایت از کودتاها و گروه‌های تروریستی، همگی از طغیانی ناشی می‌شود که مادرش «احساس بی‌نیازی» است. اما قرآن کریم در آیه «و ظَنُّوا أَنَّهُم بِإِثْنَانَا لَا يُزْجَعُونَ» (قصص/۳۹) هشدار می‌دهد که همین پندار «بازگشت‌ناپذیری»، سرانجام به «غرق شدن» ختم می‌شود. تاریخ معاصر نیز نشان داده است که هرگاه قدرت‌های سلطه‌گر به اوج احساس بی‌نیازی رسیده‌اند، سرآغاز افول و سقوط آنان فرا رسیده است؛ چراکه این احساس بی‌نیازی، آنان را از درک صحیح از واقعیت و قدرت ملت‌های مقاوم غافل می‌سازد.

این سه مؤلفه شناختی - یعنی تکذیب حق، خودبرتربینی و احساس بی‌نیازی - به صورت زنجیره‌ای به هم پیوسته عمل می‌کنند: خودبرتربینی ناشی از معیارهای مادی، زمینه‌ساز احساس بی‌نیازی از خدا و خلق می‌شود و این احساس بی‌نیازی نیز به نوبه خود، تکذیب حق و انکار آیات الهی را تسهیل می‌کند. نظام سلطه معاصر نیز با تکیه بر همین پندارهای کاذب - از جمله «برتری تمدن غرب»، «بی‌نیازی از دیگر ملت‌ها» و «انکار حقایق آشکار در رسانه‌های خود» - دقیقاً از همین الگوی شناختی فرعونی پیروی می‌کند؛ الگویی که قرآن کریم با تصویرپردازی دقیق از فرعون، آن را برای عبرت آیندگان ثبت نموده است.

سطح دوم: مؤلفه‌های رفتاری (کنش‌های عملیاتی)

پس از تبیین مؤلفه‌های شناختی که ریشه در باورهای کاذب و پندارهای تحریف‌شده فرعون داشت، اکنون نوبت به تحلیل کنش‌های عملیاتی وی می‌رسد. مؤلفه‌های رفتاری، آن دسته از اقدامات عینی و قابل مشاهده‌ای هستند که فرعون در مقام حکمرانی و تعامل با مخالفان خویش به کار گرفت. این مؤلفه‌ها که حاصل طبیعی باورهای کاذب شناختی می‌باشند، در پنج



شاخه اصلی قابل دسته‌بندی است: استکبارورزی، طغیان و سرکشی، تهدید و ارعاب، تحقیق و تخدیر عقول، و گمراه‌سازی.

۱) استکبارورزی

واژه «استکبار» و مشتقات آن در قرآن کریم ۴۸ بار به کار رفته است و از تمام موارد کاربرد این واژه استفاده می‌شود که استکبارورزی، خوی و منش غیراخلاقی و امری ناپسند و زشت است. قرآن کریم درباره فرعون می‌فرماید: «وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُم إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ» (قصص/۳۹)؛ (سرانجام) فرعون و لشکریانش بدون حق در زمین استکبار کردند و پنداشتند که به سوی ما بازگردانده نمی‌شوند! خداوند متعال در این آیه تصریح می‌کند که ریشه جنایات فرعون و اطرافیانش، استکبار و عدم تسلیم در برابر «مبدأ» و «معاد» است. همچنین در آیه دیگر می‌فرماید: «إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَأْنَاهُ فَاِسْتَكْبَرُوا وَ كَانُوا قَوْمًا عَالِينَ» (مؤمنون/۴۶)؛ به سوی فرعون و اطرافیان اشرافی او (پیامبر فرستادیم)؛ اما آنها تکبر کردند و مردمی برتری‌جو بودند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌فرماید: فرعون با جمله «آمنت به قبل أن أذن لكم» (اعراف/۱۲۳) که خطاب به ساحران ایمان آورده گفت، خشم و استکبار خویش را آشکار ساخت و آنان را به توطئه علیه خود متهم کرد تا بتواند آنان را به شدیدترین وجه مجازات نموده و از بین ببرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸: ۲۱۷). جوادی آملی نیز می‌گوید: فرعون نماد علو و استکبار در زمین است. بنابر این همه کسانی که قدرت سیاسی را ابزاری برای برتری‌طلبی و زیاده‌خواهی گرفته‌اند با خوی و دأب فرعونی، بزرگ‌ترین شکاف طبقاتی را در جامعه بشری پدید آورده و مهلک‌ترین ضربه را بر پیکر اجتماع وارد ساخته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۳۷).



استکبارورزی فرعونى در نظام سلطه معاصر، خود را در قالب یک‌جانبه‌گرایی و نقض سیستماتیک قوانین بین‌المللی نشان می‌دهد. قدرت‌های سلطه‌گر امروز، همانند فرعون، خود را فراتر از قوانین و مقرراتی می‌دانند که برای دیگران وضع کرده‌اند. خروج از معاهدات بین‌المللی (مانند برجام، پیمان پاریس، سازمان جهانی بهداشت)، وتوی قطعنامه‌های شورای امنیت در دفاع از جنایات، حمایت از کودتاها و مداخله نظامی در کشورهای مستقل، همگی مصادیق بارز استکبارورزی معاصر هستند. نظام سلطه انتظار دارد که همه ملت‌ها در برابر او تسلیم باشند و هیچ کس بدو اجازه سؤال و اعتراض نداشته باشد، درست همانگونه که فرعون به ساحران ایمان آورده گفت: «آمنتّم به قبل أن آذن لکم». این استکبارورزی، همان پندار کاذبی است که گمان می‌کند قدرت آنان بازگشت‌ناپذیر است و روزی نخواهد رسید که در برابر اعمال خویش پاسخگو باشند، غافل از آنکه وعده الهی «و ظَنُّوا أَنَّهُم إِلَیْنَا لَا یُرْجَعُونَ» (قصص/۳۹)، شامل حال آنان نیز خواهد شد.

۲) طغیان و سرکشی

واژه طغیان به معنی تجاوز از حدّ در عصیان و نافرمانی، تعدی از حد متعارف و تجاوز از حد با افراط یا تفریط اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۲۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۷: ۸۲). برجسته‌ترین تصویری که کلام وحی از فرعون ارائه می‌دهد، معرفی وی به عنوان فردی طاغی و یاغی است. خداوند در آیات گوناگون خطاب به حضرت موسی (ع) می‌فرماید: «اَذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى» (طه/۲۴)؛ «اَذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى» (طه/۴۳)؛ «اَذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى» (نازعات/۱۷). مفسران درباره معنای طغیان گفته‌اند: طغیان تجاوز از حد است، زیرا در معاصی و کفر و شرک و اخلاق رذیله هر کدام مراتبی دارد و مرتبه اعلا آن طغیان است. فرعون در شرک و کفر و یاغی‌گری به جایی رسید که گفت: «أَنَا رَبُّکُمُ الْأَعْلَى» (نازعات/۲۴) و به موسی گفت:



«لَئِنْ اتَّخَذْتُ إِلَهًا غَيْرِي لأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ» (شعراء/۲۹). طیب در تفسیر اطیب البیان می گوید: فرعون در ظلم به جایی رسید که از بنی اسرائیل پسران را سر می برید، زنان را به کنیزی می گرفت و مردان را به غلامی و اعمال شاقه می گماشت (طیب، ۱۳۶۹، ج ۹: ۲۳). در واقع، تمام قبایح و رذایلی که برایش مقدور بود در حد اعلی و قابل تصور انجام داد.

طغیان فرعون در نظام سلطه معاصر، در تجاوز به حاکمیت ملت های مستقل، اشغال نظامی کشورها، و نقض همه اصول حقوق بشری تجلی یافته است. همان گونه که فرعون از هیچ جنایتی در حق بنی اسرائیل دریغ نکرد، قدرت های سلطه گر امروز نیز از هیچ ظلمی در حق ملت های مقاوم فروگذار نمی کنند. بمباران بیمارستان ها، مدارس و منازل مسکونی، به خاک و خون کشیدن زنان و کودکان، محاصره اقتصادی و غذایی ملت ها، و ایجاد اردوگاه های اسارت و شکنجه، همگی مصادیق عینی طغیان معاصرند. آنچه فرعون با «ذبح پسران و استحیای زنان» انجام می داد، امروز با «تحریم های فلج کننده»، «ترور دانشمندان»، «پهپاد کشی» و «جنگ نیابتی» دنبال می شود. نظام سلطه به صراحت اعلام می کند که «هرچه ما می گوئیم باید بدون چون و چرا اطاعت شود» و مخالفان را به تحریم، انزوای سیاسی و حتی حمله نظامی تهدید می کند. اما قرآن کریم با صراحت وعده داده است که سرانجام طغیانگران، چه فرعون تاریخی و چه فرعونیان معاصر، «غرق شدن در دریای خشم ملت ها» خواهد بود، زیرا طغیان از احساس بی نیازی ناشی می شود و احساس بی نیازی نیز به نوبه خود، طاغی را از درک صحیح از قدرت و اراده ملت ها غافل می سازد.

۳) تهدید و ارباب

توسل به زور و جبر و ایجاد فضایی سرشار از هراس در اجتماع و تهدید به زندان و شکنجه و قتل، از پیامدهای نظام های استبدادی است. در این گونه حکومت ها، کنش ناهماهنگ



با افکار و امیال حاکمان، واکنشی شدید در پی دارد (آقای، ۱۳۶۵، ج ۱: ۸). تهدید و ارباب یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های جنگ روانی است که از طریق ایجاد جو وحشت و اضطراب، انگیزه مقاومت حریف تخریب می‌شود. قرآن کریم تصویر روشنی از این رویه فرعونى ارائه می‌دهد. فرعون تهدید کرد که اگر حضرت موسی (ع) خدایی غیر از فرعون را انتخاب و تبلیغ نماید، او را به زندان خواهد انداخت: «قَالَ لَئِنْ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمُسْجُونِينَ» (شعراء/ ۲۹). مکارم شیرازی می‌گوید: «المسجونین» اشاره به زندان مخصوصی است که هر کس را در آن می‌افکندند، برای همیشه در آن می‌ماند تا جنازه او را از زندان بیرون آورند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵: ۲۱۳). همچنین قرآن گزارش می‌دهد که اشراف قوم فرعون به او گفتند: «أَتَنْذِرُ مُوسَىٰ وَ قَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ يَذَرَكَ وَ آلِهَتَكَ؟» فرعون در پاسخ گفت: «سَنُقْتِلُ أُنْبَاءَهُمْ وَ نَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَ إِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ» (اعراف/ ۱۲۷). طباطبایی می‌نویسد: این جمله وعده‌ای است که فرعون به کرسی‌نشینان خود داده و آنان را به این معنا دلخوش کرده که بزودی همان سخت‌گیری‌ها و عذابی که در باره بنی اسرائیل داشت از سر می‌گیرد، پسران آنان را می‌کشد و دخترانشان را برای کنیزی و خدمتگزار قبطیان زنده می‌گذارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸: ۲۲۲).

تهدید و ارباب، از پایدارترین ابزارهای نظام سلطه معاصر است. تحریم‌های اقتصادی همه‌جانبه، تهدید به حمله نظامی، جنگ روانی گسترده از طریق رسانه‌های جمعی، پهمپاد کشی و ترور شخصیت‌های علمی و سیاسی، نمونه‌های بارز این الگوی فرعونى هستند. نظام سلطه با ایجاد فضای وحشت و اضطراب، می‌کوشد اراده ملت‌ها را برای مقاومت در برابر ظلم تضعیف کند. تحریم‌های دارویی و غذایی که جان بیماران و کودکان را تهدید می‌کند، امروز همان کارکرد «قتل پسران و اسارت زنان» فرعون را دارد؛ با این تفاوت که ابزارها تغییر کرده اما هدف یکی است: مرعوب ساختن ملت‌ها و واداشتن آنان به تسلیم در برابر خواست سلطه‌گران. رسانه‌های استکباری نیز با بزرگنمایی قدرت نظامی خود و کوچک‌نمایی توانمندی‌های ملت‌های مقاوم،



سعی در ایجاد «شکست‌پذیری پنداری» در اذهان عمومی دارند. اما قرآن کریم در آیه «وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ» که به زبان فرعون ثبت شده، نشان می‌دهد که این پندار «قاهر بودن بر دیگران» سرانجامی جز شکست و نابودی ندارد؛ چراکه سنت الهی بر نصرت مظلومان و خذلان ظالمان استوار است.

۴) تحمیق و تخدیر عقول

اصولاً راه و رسم همه حکومت‌های جبار و فاسد این است که برای ادامه خودکامگی باید مردم را در سطح پایینی از فکر و اندیشه نگهدارند و با انواع وسایل آنان را تحمیق کنند، آنان را در یک حال بی‌خبری از واقعیت‌ها فروبرند و ارزش‌های دروغین را جانشین ارزش‌های راستین کنند و دائماً آنان را شستشوی مغزی دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۱: ۸۸). قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ...» (زخرف/۵۴)؛ (فرعون) قوم خود را سبک شمرد (و عقول آنان را دزدید) در نتیجه از او اطاعت کردند. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید: «فرعون با سخنانش عقول قوم خود را دزدید و فریشان داد» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۱۱۱). به عبارت دیگر، فرعون برای استعمار و استثمار بنی اسرائیل از دین و دفاع از آن سخن می‌گفت و اظهار می‌داشت که موسی می‌خواهد آیین عالی و مذهب حق ایشان را از بین ببرد: «وَ يَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَّى» (طه/۶۳). معلوم است که دینی که فرعون در دفاع از آن سخن می‌گفت، دین و آیینی در مسیر تخدیر و تحمیق مردم و ابزاری برای مقدس شمردن سلطه جابرانه خود بوده است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۴).

این شیوه فرعونی، یعنی استخفاف عقول با شدت هر چه تمام‌تر در عصر و زمان ما بر همه جوامع تحت سلطه حاکم است. اگر فرعون برای نیل به این هدف وسایل محدودی در اختیار داشت، طاغوتیان امروز با استفاده از وسایل ارتباط جمعی، مطبوعات، فرستنده‌های رادیو



تلویزیونی، انواع فیلم‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای، ماهواره‌های اینترنتی، حتی ورزش در شکل انحرافی، و ابداع انواع مدهای مسخره، به استخفاف عقول ملت‌ها می‌پردازند. صنعت عظیم سرگرمی که میلیارد‌ها دلار گردش مالی دارد، کارکردی جز «تخذیر ملت‌ها» و غافل کردن آنان از واقعیت‌های تلخ سلطه و استثمار ندارد. رسانه‌های اجتماعی با الگوریتم‌هایی که محتوای سطحی و سرگرم‌کننده را در اولویت قرار می‌دهند، ذهن کاربران را از مسائل اساسی و راهبردی دور می‌کنند. مدهای زودگذر، فرهنگ سلبریتی‌ها، مسابقات واقع‌نمای مبتذل و اخبار سطحی، همگی ابزارهای تحمیق در عصر حاضرند. همان‌گونه که فرعون با سخنانش عقول قوم را دزدید و آنان را فریب داد، رسانه‌های سلطه نیز با تولید «واقعیت مجازی» و «اخبار جعلی» و «سرگرمی‌های سخیف»، مردم را از درک صحیح از وضعیت خود و نقشه‌های سلطه‌گران غافل می‌سازند. نتیجه نهایی نیز همان است که قرآن از فرعون گزارش کرده است: «فَاسْتَحَفَّ قَوْمُهُ فَأَطَاعُوهُ»؛ آنان چنان تحمیق شدند که کورکورانه از سلطه‌گر اطاعت کردند.

۵) گمراه‌سازی

ابلیس برای دستیابی به هدف خود که سوگند خورده و به آن پایبند است، گمراه‌سازی مردم را در پیش گرفته است. او نه تنها به گمراه کردن مردم بسنده نمی‌کند، بلکه می‌کوشد آنان را به گمراهی دور و نهایت گمراهی سوق دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۹: ۲۹۳) بر اساس تصویری که قرآن کریم از فرعون گزارش می‌کند، این ویژگی شیطانی در او نیز وجود داشت. فرعون با اقدامات مختلفی سعی کرد شخصیت حضرت موسی (ع) را تخریب کرده و اطلاعات غلط به مردمش بدهد:



نخست، برجسته‌نمایی موقعیت اجتماعی و خانوادگی خود و فقر مادی حضرت موسی

(ع) «و نَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَ فَلَائِبُصِرُونَ» (زخرف/۵۱).

دوم، بزرگنمایی لکنت زبان حضرت موسی (ع) به عنوان نشانه ضعف و ناتوانی: «أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَ لَا يَكَادُ يُبِينُ» (زخرف/۵۲).

سوم، برجسته‌سازی نداشتن ارزش‌های حاکم (ثروت و قدرت ظاهری): «قُلْ لَا أَلْفِي عَلَيْهِ أَسْوَرةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقَرَّرِينَ» (زخرف/۵۳).

چهارم، نسبت دادن نحوست و شومی به حضرت موسی (ع) و پیروانش: چنانکه در آیه ۱۳۱ سوره اعراف آمده، هر زمان نیکی به مردم مصر می‌رسید می‌گفتند این از آن ماست و هر زمان بدی و گرفتاری (قحطی، خشکسالی، کمبود میوه‌ها و بیماری‌ها) به آنان می‌رسید، آن را به موسی (ع) و پیروانش نسبت می‌دادند.

قرآن کریم در پایان می‌فرماید: «وَ أَضَلُّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَ مَا هَدَىٰ» (طه/۷۹)؛ و فرعون قوم خود را گمراه ساخت و به راه راست هدایت نکرد.

گمراه‌سازی فرعون در نظام سلطه معاصر، به صورت جنگ روایت‌ها (Narrative War) و دیپلماسی عمومی فریبده ظاهر شده است. رسانه‌های جریان اصلی غربی، با تمام توان در تلاش‌اند تا تصویری وارونه از واقعیت ارائه دهند. رهبران مقاومت و مبارزان راه حق طلبی که در برابر سلطه می‌ایستند، به «تروریست»، «دیکتاتور»، «ضد توسعه» و «عقب‌مانده» متهم می‌شوند. همان گونه که فرعون با برجسته‌نمایی ثروت و قدرت خود و تحقیر فقر و لکنت زبان موسی (ع)، سعی در تخریب شخصیت پیامبر خدا داشت، رسانه‌های سلطه نیز با برجسته‌نمایی ضعف‌ها و کاستی‌های احتمالی رهبران مقاومت و در عین حال پنهان‌سازی جنایات خود و همپیمانانشان، به تخریب شخصیت آنان می‌پردازند.



همچنان که فرعون هر بدی و مصیبتی را به موسی (ع) نسبت می‌داد، امروز نیز رسانه‌های استکباری، بحران‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌های خودشان را به حساب کارآمدی نظام‌های مقاومت می‌گذارند و با نسبت‌دادن «نحوست» و «مقصر بودن» به آنان، سعی در ایجاد نارضایتی عمومی دارند. نظام سلطه به خوبی آموخته است که اگر نتواند یک رهبر مقاومت را از میدان خارج کند، باید او را در اذهان عمومی «تروریست» و «ضد ارزش‌های انسانی» معرفی کند. هدف نهایی نیز همان است که قرآن از فرعون گزارش کرده است: «وَأَضَلَّ قَوْمَهُ؛ گمراه‌سازی ملت‌ها و منحرف کردن آنان از مسیر حق و حقیقت، تا بر کرسی سلطه خود باقی بمانند. اما وعده الهی آن است که سرانجام، حقیقت آشکار خواهد شد و «يَأْتِي اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنَزَّ وَرَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (توبه/۳۲).

سطح سوم: مولفه‌های ارزشی - هویتی (بنیان‌های متافیزیکی استکبار)

پس از تبیین مؤلفه‌های شناختی (باورهای کاذب) و رفتاری (کنش‌های عملیاتی) فرعون، اکنون نوبت به ژرف‌ترین لایه تصویرشناسی رفتاری می‌رسد: سطح ارزشی - هویتی. این سطح به بنیان‌های متافیزیکی و جهان‌بینی خودبنیانی می‌پردازد که ریشه اصلی تمامی باورهای کاذب و کنش‌های طغیان‌گرانه فرعون به شمار می‌رود. اگر سطح شناختی به «چه می‌پنداشت» و سطح رفتاری به «چه می‌کرد» پاسخ می‌گوید، سطح ارزشی - هویتی به «بر اساس چه جهان‌بینی و نظام ارزشی‌ای» این پندارها و کنش‌ها شکل گرفته است، پاسخ می‌دهد. دو مؤلفه بنیادین در این سطح قابل شناسایی است: انکار مبدأ و معاد، و خودخدایی.

۱. انکار مبدأ و معاد

انکار مبدأ (خداوند به عنوان خالق و رب جهان) و انکار معاد (بازگشت به سوی خدا برای حساب و کتاب)، بنیادی‌ترین مؤلفه ارزشی - هویتی مستکبران است. این انکار، تمامی باورها



و رفتارهای فرعون را توجیه و تبیین می‌کند. قرآن کریم درباره فرعون و اطرافیانش می‌فرماید: «وَ اسْتَکْبَرَ هُوَ وَ جُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمُ الْإِنَّا لَا يُرْجَعُونَ» (قصص ۳۹)؛ یعنی «فرعون و لشکریانش بدون حق در زمین استکبار کردند و پنداشتند که به سوی ما بازگردانده نمی‌شوند!». این آیه شریفه، پیوندی ناگسستنی میان «استکبار» و «انکار معاد» ترسیم می‌کند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌فرماید: «ظَنُّوا أَنَّهُمُ الْإِنَّا لَا يُرْجَعُونَ» یعنی آنان گمان می‌کردند که پس از مرگ، بازگشتی به سوی خدا ندارند و همین پندار کاذب، موجب شد که در زمین به استکبار و طغیان بپردازند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶: ۴۵). حسینی همدانی نیز می‌گوید: یگانه سبب طغیان فرعون و درباریان وی که طنین دعوی الوهیت او اقطار آن سرزمین را فرا گرفته بود، همانا نداشتن باور به معاد و بازگشت به سوی خدا بود (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۸: ۲۹۰).

علاوه بر انکار معاد، فرعون به انکار مبدأ نیز دچار بود. چنانکه در گفت‌وگوی او با حضرت موسی (ع) در سوره شعراء می‌خوانیم: «قَالَ فِرْعَوْنُ وَ مَا رَبُّ الْعَالَمِينَ» (شعراء ۲۳)؛ فرعون گفت: پروردگار جهانیان چیست؟ این سؤال نشان‌دهنده جهل و انکار او نسبت به خالق جهان است. همچنین در آیه دیگر، فرعون خطاب به قوم خود گفت: «مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي» (قصص ۳۸)؛ من برای شما هیچ خدایی جز خودم نمی‌شناسم. جوادی آملی در تسنیم در این باره می‌گوید: انکار معاد، ریشه تمامی فسادهای اخلاقی و اجتماعی است؛ کسی که باور نداشته باشد اعمالش دیده می‌شود و برای آنها بازخواست خواهد شد، هیچ مانعی برای ظلم و جنایت نخواهد داشت (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۹: ۲۹۵). فرعون نیز دقیقاً به دلیل نداشتن باور به «يُرْجَعُونَ» (بازگشت به سوی خدا)، دست به هر جنایتی زد و خود را در برابر هیچ قانون اخلاقی و انسانی مسئول نمی‌دانست. انکار مبدأ و معاد در نظام سلطه معاصر، قالبی نوین اما با همان کارکرد یافته است. قدرت‌های سلطه‌گر امروز، اگرچه ممکن است به صورت اسمی به ادیان آسمانی باور داشته باشند، اما در عمل و در عرصه حکمرانی، رفتاری از سر «بازگشت‌ناپذیری



پنداری» از خود نشان می‌دهند. آنان گمان می‌کنند که هیچ مرجع بالاتری برای پاسخگویی به اعمالشان وجود ندارد و هیچ قدرت فرامادی و ماورایی نمی‌تواند آنان را بازخواست کند. این پندار، آنان را به انجام هر جنایتی در حق ملت‌های ضعیف ترغیب می‌کند.

سازمان‌های بین‌المللی که بنا بود ناظر بر اعمال قدرت‌ها باشند، با وتوهای مکرر و نفوذ سلطه‌گران، عملاً کارایی خود را از دست داده‌اند و این خود، احساس «بازگشت‌ناپذیری» و «بی‌مسئولیتی» را در سران استکبار تقویت کرده است. نگاه سکولار و ماتریالیستی حاکم بر نظام سلطه، که ریشه در اومانیسم الحادی و مدرنیته سکولار دارد، عملاً جایگاهی برای «مسئولیت در برابر خدا» و «حساب و کتاب اخروی» باقی نمی‌گذارد. طاغوتیان امروز نیز همچون فرعون، پنداشته‌اند که به سوی خدا بازگردانده نمی‌شوند و به همین دلیل، در زمین به استکبار و طغیان مشغولند. قرآن کریم در آیات متعدد هشدار می‌دهد که این پندار کاذب، سرانجامی جز نابودی و «غرق شدن» ندارد. تجربه تاریخی نیز نشان داده است که قدرت‌هایی که خود را فراتر از قانون و مسئولیت می‌دانستند (چون روم، بریتانیا، شوروی و...) سرانجام رو به افول نهادند؛ چراکه سنت الهی بر این استوار است که «إِنَّ الَّذِينَ يَظْلُمُونَ أَنْفُسَهُمْ لَيُطْفَئُونَ اللَّهُ... أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ» (فرقان/۲۱)؛ کسانی که گمان نمی‌کنند به دیدار خدا خواهند رسید، سرانجامشان دوزخ است.

۲. خودخدایی

خودخدایی، اوج و نهایت استکبارورزی و بارزترین مؤلفه ارزشی-هویتی فرعون است. قرآن کریم در کوتاه‌ترین و پرمعناترین عبارت، این ادعای فرعون را ثبت کرده است: «فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى» (نازعات/۲۴)؛ پس گفت: من پروردگار برتر شما هستم! همچنین در آیه دیگر: «فَحَشَرَ فَنَادَى * فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى» (نازعات/۲۳-۲۴)؛ پس (ساحران و لشکریانش را) گرد آورد و ندا داد و گفت: من پروردگار برتر شما هستم. طبرسی در تفسیر مجمع البیان می‌گوید: «فرعون



در این آیه، خود را به مقام الوهیت رساند و مدعی شد که او خالق، رازق و مدبر امور مردم است» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۰: ۲۸۵). راغب اصفهانی در مفردات نیز می‌نویسد: «الأعلى» اشاره به برتری مطلق است؛ فرعون ادعا کرد که نه تنها خداوند است، بلکه برترین خداوند است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۸۹). نکته قابل تأمل آنکه فرعون به صرف ادعای الوهیت اکتفا نکرد، بلکه برای اثبات آن از قدرت قهریه و نظام تبلیغاتی نیز بهره گرفت. چنانکه آیه «فَحَشَرَ فَنَادَى» نشان می‌دهد، فرعون ابتدا ساحران و لشکریان و اشراف را گرد آورد (بخوانید: تشکیل نظام قدرت)، سپس ندا داد (بخوانید: راه‌اندازی دستگاه تبلیغاتی و رسانه‌ای). این دو عنصر - قدرت قهریه و قدرت تبلیغاتی - دو بال خودخدایی فرعونی بودند. مکتب تفکیک در این باره می‌گوید: فرعون برای تثبیت الوهیت خود، هم از تهدید شمشیر استفاده کرد و هم از تهدید رسانه؛ او با نظامی‌گری و باورسازی همزمان، کاخ بت‌های خود را استوار داشت.

مکارم شیرازی در تفسیر نمونه می‌نویسد: این ادعای فرعون، نشانه نهایت غرور و خودخواهی و گمراهی او بود. او نه تنها خود را خدا خواند، بلکه «رب الاعلی» یعنی بالاترین خداوند، که این نشان می‌دهد دست کم به وجود خدایان ضعیف‌تری معتقد بود، اما خود را از همه بالاتر می‌دانست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۶: ۱۶۱). قابل ذکر است که فرعون در این ادعا تنها نبود؛ بلکه نظام سلطه‌ای که پدید آورده بود، به گونه‌ای طراحی شده بود که همه چیز حول محور او بچرخد. چنانکه در آیه «و نادى فرعون فى قومِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي» (زخرف/۵۱)، فرعون قوم خود را مخاطب قرار می‌دهد تا آنان را به الوهیت خود معترف سازد. طبری در تاریخ خود گزارش می‌کند که فرعون نه تنها خود را خدا می‌دانست، بلکه از طرف مردم نیز مورد پرستش قرار می‌گرفت و برای او سجده می‌کردند (طبری، ۱۳۶۲: ۳۰۰). خودخدایی فرعونی در نظام سلطه معاصر، قالبی پیچیده و تا حدی پنهان یافته است. به ندرت می‌توان سران استکبار را یافت که آشکارا ادعای خدایی کنند. اما ذات



خودخدایی، یعنی «بزرگ‌ترین مرجع قدرت بودن»، «فرا تر از قانون بودن»، «تعیین‌کننده سرنوشت ملت‌ها بودن» و «مصون از نقد و بازخواست بودن»، به طور کامل در نظام سلطه معاصر بازتولید شده است. نظام سلطه معاصر، همانند فرعون، خود را «پروردگار برتر» ملت‌ها می‌داند. برای نمونه:

اول: تعیین سرنوشت ملت‌ها

نظام سلطه برای خود این حق قائل است که برای ملت‌های دیگر تعیین کند چه کسی بر آنان حکومت کند (دخاله در انتخابات)، چه اقتصادی داشته باشند (دیکته کردن سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول)، چه فرهنگی داشته باشند (تحمیل ارزش‌های غربی از طریق رسانه‌ها) و حتی چه مرزی داشته باشند (کشیدن مرزهای ساختگی در خاورمیانه و آفریقا).

دوم: فرا تر از قانون بودن

همان گونه که فرعون خود را فرا تر از هر قانونی می‌دانست، نظام سلطه معاصر نیز خود را «استثنا» می‌بیند. شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل، برای دیگران قوانین وضع می‌کنند؛ اما خود قدرت‌های سلطه‌گر از این قوانین مستثنا هستند. مصادیق فراوانی از این «استثناگرایی» وجود دارد: خروج از برجام بدون هیچ هزینه‌ای، وتوی قطعنامه‌های ضد جنایت‌های جنگی، حمله به افغانستان و عراق بدون مجوز شورای امنیت، و موارد بی‌شمار دیگر.

سوم: ایجاد نظام حشر و نشر موازی

فرعون با «حشر» (گردآوری ساحران و لشکریان) و «ندا» (اعلام الوهیت) دو ستون قدرت خود را استوار می‌داشت. نظام سلطه معاصر نیز با تشکیل ائتلاف‌های نظامی (ناتو و امثال آن) و اداره رسانه‌های جریان اصلی (سی‌ان‌ان، بی‌بی‌سی، فاکس نیوز و...) دقیقاً همان کار را



انجام می‌دهد. «حشر» امروزی یعنی قدرت نظامی و اقتصادی؛ «نذا» امروزی یعنی سلطه رسانه‌ای و تبلیغاتی.

چهارم: پرستش قدرت به جای پرستش خدا

در نظام سلطه معاصر، اگرچه به صورت آشکار از فرعون تباران انتظار سجده نمی‌رود، اما به صورت پنهان و غیرمستقیم، نظام سلطه خواستار «اطاعت مطلق» از خود است. آنچه فرعون با جمله «أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى» از مردم خود می‌خواست، امروز نظام سلطه با ابزارهایی چون تحریم، تهدید نظامی، دیپلماسی اجبار و نفوذ فرهنگی دنبال می‌کند؛ یعنی تسلیم محض و بدون چون و چرا در برابر اراده سلطه‌گر. قرآن کریم در آیه «فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِزَةِ وَالْأُولَى» (نازعات/۲۵) می‌فرماید: «پس خداوند او را به عذاب دنیا و آخرت گرفت». این سنت الهی هشدار است برای تمام خودخدایان عصرها، که هر آن کس خود را جای خدا نشاند، سرانجامی جز «سقوط» و «خواری» ندارد. تاریخ معاصر نیز گواه است که قدرت‌های سلطه‌گری که به اوج خودخدایی رسیدند (آلمان نازی، ایتالیای موسولینی، شوروی، و حتی آمریکا در دوره‌هایی) سرانجام افول کردند و عبرت‌ها باقی ماند، همچنان که جسد فرعون بر بلندی مانده است تا «لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَفَكَ آيَةً» (یونس/۹۲)؛ برای کسانی که پس از تو می‌آیند نشانه عبرتی باشی.

نتیجه

قرآن کریم با بهره‌گیری از سرگذشت فرعون، نه صرفاً یک گزارش تاریخی، بلکه یک الگوی رفتاری جامع و ساختاریافته از مستکبران عالم ترسیم می‌کند. این الگو که در پژوهش حاضر با عنوان «تصویرشناسی رفتاری فرعون» مورد واکاوی قرار گرفت، در سه سطح شناختی، رفتاری و ارزشی-هویتی قابل تحلیل است. آنچه این تصویرشناسی را از سایر پژوهش‌های مشابه متمایز می‌سازد، نگاه سیستمی به رفتار فرعون و کشف زنجیره علی میان



باورهای کاذب، کنش‌های عملیاتی و بنیان‌های متافیزیکی است که یک «هندسه رفتاری ثابت» را تشکیل می‌دهد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، سطح ارزشی-هویتی (انکار مبدأ و معاد، خودخدایی) ژرف‌ترین لایه و ریشه اصلی تمامی باورها و کنش‌های مستکبرانه است. فرعون به دلیل آنکه پنداشت «إِنَّا لَا يُزَجَعُونَ» (قصص/۳۹)، خود را در برابر هیچ قانون و مسئولیتی پاسخگو نمی‌دانست و به تدریج به خودبرتربینی و احساس بی‌نیازی دچار شد. این باورهای کاذب سطح شناختی (تکذیب حق، خودبرتربینی، احساس بی‌نیازی) به نوبه خود زمینه‌ساز سطح رفتاری (استکبارورزی، طغیان، تهدید و ارعاب، تحمیق و تخدیر عقول، گمراه‌سازی) گردید. بدین ترتیب، یک زنجیره علّی منسجم از «جهان‌بینی الحادی» تا «کنش‌های جنایت‌کارانه» در شخصیت فرعون قرآنی قابل بازشناسی است.

نکته محوری آنکه این هندسه رفتاری، مختص فرعون تاریخی نیست؛ بلکه قرآن کریم با الغای خصوصیت، آن را به عنوان تیپ آرمانی (Ideal Type) مستکبران در طول تاریخ معرفی می‌کند. از این منظر، نظام سلطه معاصر با همه تفاوت ابزارها، دقیقاً از همان الگوی رفتاری پیروی می‌کند. انکار حقایق آشکار در رسانه‌های جریان اصلی، تکذیب جنایت‌های جنگی و نسل‌کشی، تحریم‌های فلج‌کننده به جای ذبح پسران، صنعت سرگرمی و تحمیق توده‌ها به جای استخفاف عقول، جنگ روایت‌ها و تخریب شخصیت رهبران مقاومت به جای گمراه‌سازی، و در نهایت استکبارورزی و یک‌جانبه‌گرایی در عرصه بین‌الملل، همه و همه بازتولید همان الگوی فرعونی با ابزارهای نوین است. آنچه تغییر کرده، «چگونگی» اعمال سلطه است، نه «چیستی» و «هندسه» آن.

پژوهش حاضر از حیث نظری، نظریه «تصورشناسی رفتاری مستکبران در قرآن» را به عنوان یک چارچوب تحلیلی بومی برای جریان‌شناسی استکبار جهانی ارائه می‌دهد. این نظریه می‌تواند در علوم سیاسی، ارتباطات، مطالعات منطقه‌ای و روان‌شناسی سیاسی به عنوان ابزاری



کارآمد برای تحلیل رفتار قدرت‌های سلطه‌گر و نیز پیش‌بینی سرانجام آنان مورد استفاده قرار گیرد. از حیث کاربردی نیز، بازشناسی این الگو به ملت‌های مقاوم کمک می‌کند تا ضمن شناخت دقیق دشمن، دچار «خوش‌بینی راهبردی» یا «بدبینی راهبردی» نشوند و بدانند که سرانجام مستکبران، چه فرعون تاریخی و چه فرعونیان معاصر، «غرق شدن در دریای خشم ملت‌ها» و «اخذ به نکال الدنيا و الآخرة» خواهد بود.

در پایان، این پژوهش آشکار ساخت که قرآن کریم با ترسیم الگوی فرعون، خود کتابی است راهبردی برای جریان‌شناسی تاریخی سلطه و استکبار. مستکبران همواره می‌آیند تا زمانی که وعده الهی فرا رسد و بساط آنان برچیده شود؛ کاخ‌هایشان فرو ریزد، لشکریان‌شان در کام خشم ملت‌ها غرق گردند و نامشان در تاریخ جز عبرتی برای آیندگان، یادگاری نداشته باشد. سنت تغییرناپذیر پروردگار بر این استوار است که طغیانگران و خودخدایان را به کیفر دنیوی و عقوبت اخروی گرفتار آورد و این سنت، هرگز دگرگون نمی‌شود. آنچه بر ملت‌های مقاوم و آزاده جهان فرض و واجب است، بصیرتی عمیق در شناخت این الگوی تکرارشونده و پرهیز از هر گونه خوش‌بینی راهبردی نسبت به ذات و هندسه رفتاری استکبار است. و باید راهی غیر از راه مستکبران پیش گیرند: راه توحید که خالق را یگانه ببیند و غیر او را هیچ؛ راه عدالت که ستم را برنتابد و مظلوم را تنها نگذارد؛ راه مقاومت که در برابر زور و زر و تزویر سر فرود نیاورد؛ و راه کرامت انسانی که آزادگی را بر بندگی سلطه‌گران ترجیح دهد. و وعده الهی آن است که سرانجام این زمین از آن بندگان شایسته اوست و فرجام نیک تنها از آن پرهیزگاران خواهد بود؛ نه مستکبرانی که گمان می‌کردند هرگز به سوی او باز نمی‌گردند.



منابع

قرآن کریم

- ۱) ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دارصادر، چاپ سوم.
- ۲) افتخاری، اصغر (۱۳۸۷)، تقریرات درس تهدیدات نرم، دوره هفتم دکتری امنیت ملی نیمه اول سال تحصیلی، تهران: دانشگاه دفاع ملی.
- ۳) بهمن آقایی و علی رضا علی بابایی (۱۳۶۵)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر ویس.
- ۴) جرویس، رابرت (۱۳۷۶)، تصاویر و جنگ خلیج فارس، در: «روانشناسی سیاسی جنگ خلیج فارس، رهبران، عامه مردم و روند منازعه»، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۲۶۰-۲۴۱.
- ۵) جوادی آملی، عبد الله (۱۳۸۷)، دین شناسی، قم: مؤسسه نشر اسراء، چاپ پنجم.
- ۶) جوادی آملی، عبد الله (۱۳۸۹)، تسنیم، قم: مؤسسه نشر اسراء، چاپ دوم.
- ۷) جوادی آملی، عبد الله (۱۳۸۳)، قم: توحید در قرآن، نشر اسراء، چاپ اول.
- ۸) جوهری، اسماعیل (۱۲۷۰ ق)، الصحاح اللغة، لبنان: دارالکتب العربی.
- ۹) حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران: لطفی، چاپ اول.



- ۱۰) راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق بیروت: دارالعلم الدارالشامیة، چاپ اول.
- ۱۱) طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ج ۲.
- ۱۲) طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه مترجمان، تهران: فراهانی.
- ۱۳) طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، بی جا: اساطیر، چاپ سوم.
- ۱۴) طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی، چاپ سوم.
- ۱۵) قرائتی، محسن ۱۳۸۸، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ اول.
- ۱۶) قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ ششم.
- ۱۷) مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹)، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین، چاپ اول.
- ۱۸) مرادیان، محسن (۱۳۸۸)، تهدید و امنیت: تعاریف و مفاهیم، تهران: تهران: نشر ساقی.
- ۱۹) مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲۰) معرفت، محمد هادی (۱۳۸۵)، نقد شبهات پیرامون قرآن کریم، ترجمه حسن کلیم باشی، علی اکبر رستمی، میرزا علیزاده و حسن خرقانی، قم: نشر التمهید، چاپ اول.

References

The Qur'an

۱. Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram (1414 AH), *Lisan al-'Arab*, Beirut: Dar Sader, 3rd ed.



۲. Eftekhari, Asghar (۲۰۰۸), *Lecture Notes on Soft Threats*, ۷th PhD course in National Security, first semester of the academic year, Tehran: National Defense University.
۳. Bahman Agha'i and Ali-Reza Ali-Babaei (۱۹۸۶), *Political Science Dictionary*, Tehran: Vis Publishing.
۴. Jervis, Robert (۱۹۹۷), "Images and the Gulf War," in *The Political Psychology of the Gulf War: Leaders, the Mass Public, and the Process of Conflict*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications, pp. ۲۴۱-۲۶۰.
۵. Jawadi Amoli, Abdullah (۲۰۰۸), *Religious Studies*, Qom: Isra Publishing Institute, ۵th ed.
۶. Jawadi Amoli, Abdullah (۲۰۱۰), *Tasnīm*, Qom: Isra Publishing Institute, ۲nd ed.
۷. Jawadi Amoli, Abdullah (۲۰۰۴), *Tawhid in the Quran*, Qom: Isra Publications, ۱st ed.
۸. Jawhari, Isma'il (۱۲۷۰ AH), *Al-Sihah: Language Dictionary*, Lebanon: Dar al-Kutub al-'Arabi.
۹. Hosseini Hamedani, Muhammad (۱۴۰۴ AH), *Anwar-e Darakhshan dar Tafsir-e Quran* (Radiant Lights in Quranic Exegesis), Tehran: Lotfi, ۱st ed.
۱۰. Raghīb al-Isfahani, Husayn ibn Muhammad (۱۴۱۲ AH), *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran*, Damascus/Beirut: Dar al-'Ilm al-Shamiyya, ۱st ed.
۱۱. Tabataba'i, Muhammad Husayn (۲۰۱۱), *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Beirut: Mu'assasat al-A'lami lil-Matbu'at, ۲nd ed.
۱۲. Tabarsi, Fadl ibn Hasan (۱۹۸۱), *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, trans. Translators, Tehran: Farahani.
۱۳. Tabari, Muhammad ibn Jarir (۱۹۸۳), *Tarikh-e Tabari*, trans. Abu'l-Qasem Payandeh, no place: Asatir, ۳rd ed.
۱۴. Tarihi, Fakhr al-Din ibn Muhammad (۱۹۹۶), *Majma' al-Bahrayn*, Tehran: Mortazavi, ۳rd ed.
۱۵. Qara'ati, Mohsen (۲۰۰۹), *Tafsir-e Nour*, Tehran: Markaz-e Farhangi-ye Dars-ha'i az Quran, ۱st ed.



۱۶. Qurashi, Seyyed Ali Akbar (۱۹۹۲), *Qamus-e Quran*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya, ۶th ed.
۱۷. Modarresi, Muhammad Taqi (۱۴۱۹ AH), *Min Huda al-Quran*, Tehran: Dar Muhibbi al-Husayn, ۱st ed.
۱۸. Moradian, Mohsen (۲۰۰۹), *Threat and Security: Definitions and Concepts*, Tehran: Sagi Publishing.
۱۹. Mostafavi, Hasan (۱۹۸۱), *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim*, Tehran: Kitab Translation and Publishing Company.
۲۰. Ma'rifat, Muhammad Hadi (۲۰۰۶), *Critique of Doubts Surrounding the Holy Quran*, trans. Hasan Kalim Bashi, Ali Akbar Rostami, Mirza Ali Zadeh, and Hasan Khargani, Qom: Al-Tamhid Publications, ۱st ed.

